Journal of
International Criminal Law
www.iclj.ir

Volume 4, Issue 4, 2026

# Mechanisms for Compensation of Damages to Victims in Crimes Arising from Electronic Transactions from the Perspective of International Criminal Law

**Amin Karimpour Aliabad** [1*]

*1. Department of Law, Yas.C., Islamic Azad University, Yasuj, Iran.*

***ARTICLE INFORMATION***

***Type of Article:*** ***Original Research***

***Pages:*** ***15-27***

***Corresponding Author's Info:***

***ORCID:*** *0000-0002-1896-4292*

***TELL:*** *+989173109909*

***Email:*** *4231891915@iau.ir*

***Article History:***

***Received:*** *13 Jul 2026*

***Revised:*** *31 Jul 2026*

***Accepted:*** *29 Aug 2026*

***Published online:*** *22 Dec 2026*

***Keywords:***

*Compensation, Electronic Transactions, Criminal Law, Victims.*

**ABSTRACT**

The expansion of electronic commerce and the increasing use of digital technologies, while creating a revolution in the way contracts are concluded and executed, have also paved the way for new and complex damages, the effective compensation of which requires a review of the traditional principles of civil liability and the use of modern legal standards. The present study aims to explain the principles of compensation for damages in electronic transactions and examine the legal mechanisms for protecting victims, using a descriptive-analytical method and based on library resources and international documents. The findings of the study show that the realization of compensation for damages in this area requires the validity of the contract or the elements of civil liability, proving the occurrence of damage, and the causal relationship between the harmful behavior and the damage caused. Also, the scope of damages in electronic transactions is not limited to financial losses and includes cases such as breach of contractual obligations, provision of misleading information, disclosure of personal data, breach of system security and misuse of smart technologies. A review of international documents, including the Declaration of Fundamental Principles of Justice for Victims, the Budapest Convention, the Palermo Convention, the Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts and the Council of Europe Framework Convention on Artificial Intelligence, indicates that the prevailing approach is to protect victims by ensuring access to effective remedies for damages, strengthening transparency, accountability and attribution of responsibility to natural or legal persons controlling and operating smart systems. As a result, the development of electronic commerce requires amending domestic laws, strengthening international cooperation and establishing specialized mechanisms for full compensation for damages in the digital environment.

This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

**How to Cite This Article:** Karimpour Aliabad, A (2026). "Mechanisms for Compensation of Damages to Victims in Crimes Arising from Electronic Transactions from the Perspective of International Criminal Law". *Journal of International Criminal Law*, 4(4): 15-27.

فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

www.iclj.ir

دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۵

# سازوکارهای جبران خسارت زیان‌دیده در جرائم ناشی از معاملات الکترونیکی از منظر حقوق کیفری بین‌المللی

**امین کریم‌پور علی‌آباد** [۱*]

۱. گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

**اطلاعات مقاله**

**نوع مقاله:** پژوهشی

**صفحات:** ۲۷-۱۵

**اطلاعات نویسنده مسؤول**

**کد ارکید:** ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۱۸۹۶-۴۲۹۲

**تلفن:** ۹۸۹۱۷۳۱۰۹۹۰۹+

**ایمیل:** ۴۲۳۱۸۹۱۹۱۵@iau.ir

**سابقه مقاله:**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۱۰/۰۱

**واژگان کلیدی:**

جبران خسارت، معاملات الکترونیکی، حقوق کیفری، زیان‌دیده.

## چکیده

گسترش تجارت الکترونیکی و استفاده روزافزون از فناوری‌های دیجیتال، ضمن ایجاد تحول در شیوه انعقاد و اجرای قراردادها، زمینه بروز خسارات جدید و پیچیده‌ای را نیز فراهم ساخته است که جبران مؤثر آن‌ها مستلزم بازنگری در مبانی سنتی مسؤولیت مدنی و بهره‌گیری از استانداردهای نوین حقوقی است. پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی جبران خسارت در معاملات الکترونیکی و بررسی سازوکارهای حقوقی حمایت از زیان‌دیدگان، با روش توصیفی – تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و اسناد بین‌المللی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحقق جبران خسارت در این حوزه مستلزم احراز اعتبار قرارداد یا ارکان مسؤولیت مدنی، اثبات ورود ضرر و رابطه سببیت میان رفتار زیان‌بار و خسارت وارده است. همچنین، دامنه خسارات در معاملات الکترونیکی صرفا به زیان‌های مالی محدود نبوده و مواردی همچون نقض تعهدات قراردادی، ارائه اطلاعات گمراه‌کننده، افشای داده‌های شخصی، نقض امنیت سامانه‌ها و سوءاستفاده از فناوری‌های هوشمند را نیز در برمی‌گیرد. بررسی اسناد بین‌المللی، از جمله اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان، کنوانسیون بوداپست، کنوانسیون پالرمو، کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی و کنوانسیون چارچوب شورای اروپا درباره هوش مصنوعی، بیانگر آن است که رویکرد غالب، حمایت از زیان‌دیدگان از طریق تضمین دسترسی به راهکارهای مؤثر جبران خسارت، تقویت شفافیت، پاسخگویی و انتساب مسؤولیت به اشخاص حقیقی یا حقوقی کنترل‌کننده و بهره‌بردار سامانه‌های هوشمند است. در نتیجه، توسعه تجارت الکترونیکی مستلزم اصلاح قوانین داخلی، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد سازوکارهای تخصصی برای جبران کامل خسارات در محیط دیجیتال است.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

**مقدمه**

رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات، تحول چشمگیری در شیوه انجام مبادلات تجاری و انعقاد قراردادها ایجاد کرده و معاملات الکترونیکی را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تجارت در سطح داخلی و بین‌المللی تبدیل کرده است. امروزه بخش قابل‌توجهی از روابط اقتصادی اشخاص از طریق بسترهای دیجیتال، سامانه‌های برخط، سکوهای الکترونیکی و فناوری‌های هوشمند انجام می‌شود. این تحول اگرچه موجب افزایش سرعت، کاهش هزینه‌های معاملاتی، توسعه بازارها و تسهیل دسترسی به خدمات شده است، اما هم‌زمان زمینه شکل‌گیری اختلافات و ورود خساراتی را فراهم کرده که از حیث نحوه وقوع، اثبات و جبران، با معاملات سنتی تفاوت‌های قابل‌توجهی دارند. به همین دلیل، جبران خسارت در معاملات الکترونیکی به یکی از موضوعات مهم حقوق تجارت الکترونیکی و مسؤولیت مدنی تبدیل شده است؛ زیرا اعتماد عمومی به تجارت الکترونیکی تا حد زیادی به وجود سازوکارهای مؤثر برای حمایت از حقوق زیان‌دیدگان وابسته است.

در معاملات الکترونیکی، خسارت ممکن است در نتیجه نقض تعهدات قراردادی، ارائه اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده، عدم اجرای صحیح قرارداد، نقض امنیت داده‌ها، افشای اطلاعات شخصی، کلاهبرداری رایانه‌ای، اختلال در سامانه‌های الکترونیکی یا عملکرد نادرست سامانه‌های هوشمند ایجاد شود. علاوه بر این، ماهیت غیرحضوری معاملات، استفاده از داده‌پیام، نقش واسطه‌های الکترونیکی و حضور اشخاص متعدد در فرآیند انعقاد و اجرای قرارداد، از جمله ارائه‌دهندگان خدمات، صاحبان پلتفرم‌ها، طراحان نرم‌افزار و بهره‌برداران سامانه‌های هوشمند، موجب شده است که تعیین شخص مسؤول، احراز رابطه سببیت و اجرای قواعد جبران خسارت با پیچیدگی‌های بیشتری همراه باشد. این وضعیت به‌ویژه در مواردی که معاملات دارای ماهیت فرامرزی هستند یا از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی بهره می‌برند، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند.

اگرچه در نظام حقوقی ایران قواعد عمومی مسؤولیت مدنی، قانون مدنی و قانون تجارت الکترونیکی، مبانی کلی مطالبه خسارت را پیش‌بینی کرده‌اند، اما تحولات سریع فناوری موجب شده است که بسیاری از موضوعات نوپدید، از جمله مسؤولیت ناشی از عملکرد سامانه‌های هوشمند، جایگاه حقوقی پلتفرم‌های الکترونیکی، شیوه اثبات خسارات دیجیتالی، دسترسی به ادله الکترونیکی و نحوه انتساب خسارت به اشخاص دخیل در فرآیندهای هوشمند، با ابهام‌ها و خلأهای تقنینی مواجه باشند. از سوی دیگر، توسعه تجارت الکترونیکی موجب شده است که در بسیاری از موارد، خسارت تنها به روابط قراردادی محدود نبوده و ابعاد کیفری، فنی و حتی بین‌المللی نیز پیدا کند؛ امری که استفاده از ظرفیت اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی را بیش از گذشته ضروری ساخته است. در سطح بین‌المللی نیز اسناد متعددی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از حقوق زیان‌دیدگان حمایت کرده‌اند. اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت، کنوانسیون بوداپست درباره جرائم سایبری، کنوانسیون پالرمو، کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی و همچنین کنوانسیون چارچوب شورای اروپا درباره هوش مصنوعی، هر یک بخشی از ابعاد جبران خسارت، حمایت از بزه‌دیدگان، همکاری‌های فرامرزی، شفافیت، پاسخگویی و دسترسی به راهکارهای مؤثر احقاق حق را مورد توجه قرار داده‌اند. با وجود این، مقررات این اسناد پراکنده بوده و هر یک تنها بخشی از مسائل مربوط به جبران خسارت در معاملات الکترونیکی را پوشش می‌دهند؛ از این‌رو بررسی تطبیقی آن‌ها در کنار حقوق داخلی می‌تواند به تبیین دقیق‌تر مبانی حقوقی این حوزه کمک کند.

بر همین اساس، مسأله اصلی این پژوهش آن است که مبانی و سازوکارهای حقوقی جبران خسارت در معاملات الکترونیکی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی بر چه اصولی استوار است؟ بر این اساس، فرض بر آن است که هرچند قواعد عمومی مسؤولیت مدنی و مسؤولیت قراردادی همچنان مبنای اصلی جبران خسارت در معاملات الکترونیکی را تشکیل می‌دهند، اما ویژگی‌های خاص این معاملات و گسترش فناوری‌های نوین، مسؤولیت جبران خسارت نیز در وضعیت کنونی اصولا متوجه اشخاص حقیقی یا حقوقی طراح، مالک، متولی یا بهره‌بردار سامانه‌های الکترونیکی و هوشمند است.

## ۱- معاملات الکترونیکی و ماهیت آنان

معاملات الکترونیکی همانند سایر معاملات نیازمند شرایطی از جمله صحت معامله، قصد و رضای طرفین، اهلیت موضوع، معین و مشروع بودن هستند (خواجه‌زاده، ۱۴۰۵: ۷)؛ بنابراین رعایت شروط و معیارهای اصلی معاملات سنتی در معاملات الکترونیکی نیز حاکم است. از این جهت، قراردادهای الکترونیکی همان اثر حقوقی قراردادهای سنتی را دارند و مشروعیت آن‌ها توسط قوانین موجود لحاظ می‌گردد (شهیدی، ۱۳۹۰: ۴۰). به‌علاوه اینکه در معاملات الکترونیکی لحاظ کردن قبول و ایجاب یعنی اعلام اراده نیز بخشی از معامله و رکن اصلی آن است. در این زمینه، اعلام اراده شامل ایجاب و قبول است. ایجاب یعنی اعلام اراده توسط یکی از طرفین برای ایجاد رابطه حقوقی مشخص و قبول یعنی پذیرش آن اراده توسط طرف دیگر (صفایی، ۱۳۹۳: ۶۸). در این صورت، معاملات الکترونیکی تنها در یک بستر جدید و متفاوت از جمله در فضای الکترونیکی شکل می‌گیرند. برای صحت هر قراردادی، قانون‌گذار شرایطی را تعیین کرده است و قرارداد الکترونیکی نیز تابع همان اصول و قواعد عمومی حقوق قراردادها و تعهدات است (مقامی‌نیا، ۱۳۹۱: ۸۶). یکی از مهم‌ترین این شرایط، وجود اراده طرفین قرارداد است که شکل‌دهنده معامله است. درصورتی‌که اصول و معیارهای حاکم بر معاملات الکترونیکی عملیاتی شود، جبران خسارت در معاملات نیز امری بدیهی است. زیرا معاملات الکترونیکی نیز با مشکلاتی در زمینه نقض تعهدات، آسیب زدن به اموال و دارایی و یا نقض مقررات و قوانین در حوزه تجارت الکترونیکی مواجه خواهند شد.

## ۲- جبران خسارت در معاملات الکترونیکی

اهمیت جبران خسارت در معاملات الکترونیکی حمایت از معامله‌گران در فضای الکترونیک و همچنین مصرف‌کنندگان است که الزاما افرادی حرفه‌ای و با هدف کسب‌وکار تجاری در این فضا حضور ندارند (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۰۰)؛ بنابراین هم در راستای حمایت از معامله‌گران و هم مصرف‌کنندگان در معاملات الکترونیکی، پرداختن به جبران خسارت و یافتن سازوکارهای مربوط به آن دارای اهمیت است که در مباحث پیش‌رو مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۲-۱- مال بودن معاملات الکترونیکی و استناد به جبران خسارت

یکی از شیوه‌های شناخته‌شده جبران خسارت در دعاوی مربوط به نقض حقوق مالکیت فکری، الزام ناقض به استرداد منافع و سودهای حاصل از رفتار ناقضانه است. در این روش، مبنای جبران خسارت نه میزان زیان واقعی واردشده به دارنده حق، بلکه منافعی است که ناقض از رهگذر بهره‌برداری غیرمجاز از حق مالکیت فکری به دست آورده است. از این‌رو، خواهان برای مطالبه خسارت نیازی به اثبات میزان دقیق ضرر وارده ندارد، بلکه کافی است ثابت کند که خوانده از طریق نقض حق، سود یا منفعتی تحصیل کرده است. در نتیجه، منافع نامشروع حاصل از نقض حق، به دارنده آن مسترد می‌شود؛ حتی اگر وی امکان تحصیل چنین منافعی را نداشته یا خسارت واقعی او کمتر از میزان سود تحصیل‌شده توسط ناقض باشد (سرومیلی و پنداشته‌پور، ۱۴۰۴: ۱۰). فلسفه این شیوه جبران خسارت، بر اصل بنیادین منع دارا شدن ناروا استوار است. بر اساس این اصل، هیچ شخصی نباید از فعل غیرقانونی یا رفتار متخلفانه خود منتفع شود. بنابراین، هرگاه ناقض از رهگذر استفاده بدون مجوز از حقوق مالکیت فکری دیگری سودی به دست آورد، نگهداری این منافع از منظر حقوقی فاقد مشروعیت بوده و باید به صاحب حق مسترد شود؛ زیرا این سود حاصل بهره‌برداری از حقی است که متعلق به شخص دیگری بوده و ناقض هیچ استحقاق قانونی نسبت به آن ندارد.

در ادبیات حقوقی، این شیوه جبران خسارت پیشینه‌ای طولانی دارد و اگرچه در گذشته با عناوینی نظیر «حق‌الامتیاز متعارف» یا نهادهای مشابه شناخته می‌شد، امروزه به‌عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای مستقل در دعاوی مالکیت فکری مورد پذیرش قرار گرفته است. قاضی «اسلدج» در تبیین این مبنا بیان می‌کند که هدف از صدور حکم به استرداد سودهای تحصیل‌شده، جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه ناقض و بازگرداندن منافع نامشروع به دارنده حق است. این رویکرد در ابتدا عمدتا در حوزه مسؤولیت مدنی غیر قراردادی اعمال می‌شد، اما از اوایل دهه ۲۰۰۰، رویه قضایی انگلستان آن را در موارد نقض تعهدات قراردادی نیز پذیرفت (عیسائی‌تفرشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۴-۱۳۳). از مهم‌ترین نمونه‌های کاربرد

این نظریه، رأی مشهور مجلس اعیان انگلستان در سال ۲۰۰۱ است. در این پرونده، یکی از اعضای پیشین سرویس امنیتی که پیش‌تر به اتهام جاسوسی محکوم شده بود، پس از آزادی اقدام به انتشار خاطرات خود کرد و در قبال آن مبالغ قابل‌توجهی از ناشر دریافت نمود. وی در دوران خدمت، تعهد کرده بود که هیچ‌یک از اطلاعات و دانسته‌های حاصل از اشتغال خود، اعم از محرمانه یا غیرمحرمانه را افشا نکند. هرچند دادگاه بدوی با این استدلال که اطلاعات منتشرشده دیگر محرمانه نبوده و جلوگیری از انتشار آن‌ها منفعت عمومی قابل‌توجهی را تأمین نمی‌کند، دعوای خواهان را مردود اعلام کرد، اما در ادامه، این پرونده به یکی از مبانی مهم توسعه نظریه استرداد منافع ناشی از نقض قرارداد و جلوگیری از انتفاع نامشروع ناقض در حقوق انگلستان تبدیل شد (سرومیلی و پنداشته پور، ۱۴۰۴: ۱۱).

در این زمینه اسناد بین‌المللی نیز به تبع اهمیت جبران خسارت، سازوکارهایی را در نظر گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان، «اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت» مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ است. اگرچه این اعلامیه از لحاظ ماهیت حقوقی، سندی الزام‌آور محسوب نمی‌شود، اما به‌عنوان مهم‌ترین استاندارد بین‌المللی در حوزه حقوق بزه‌دیدگان، مبنای تدوین بسیاری از قوانین ملی و اسناد بین‌المللی بعدی قرار گرفته است. این اعلامیه با تأکید بر ضرورت جبران خسارت بزه‌دیدگان، دولت‌ها را به ایجاد سازوکارهای مؤثر برای اعاده حقوق زیان‌دیدگان جرم ترغیب می‌کند؛ اصولی که در جرائم ناشی از معاملات الکترونیکی نیز به دلیل ورود خسارات مالی و اقتصادی به بزه‌دیدگان، قابلیت اعمال دارد. در این راستا، بند ۸ اعلامیه مقرر می‌دارد: **«مرتکبان جرم یا اشخاص ثالثی که مسؤول رفتار زیان‌بار هستند، حسب مورد باید نسبت به بزه‌دیدگان، خانواده آنان یا افراد تحت تکفل ایشان، جبران خسارت عادلانه به عمل آورند»** (United Nations General Assembly, 1985, para. 8). همچنین، بند ۹ در تبیین مفهوم جبران خسارت بیان می‌کند: **«جبران خسارت باید حسب مورد شامل استرداد اموال، پرداخت خسارت ناشی از زیان وارده، بازپرداخت هزینه‌های ایجادشده در نتیجه بزه‌دیدگی، ارائه خدمات لازم و اعاده حقوق بزه‌دیده باشد»** (United Nations General Assembly, 1985, para. 9).

علاوه بر این، بند ۱۲ بر مسؤولیت دولت‌ها در حمایت از بزه‌دیدگان تأکید کرده و مقرر می‌دارد: **«هرگاه جبران خسارت از سوی مرتکب یا سایر منابع به‌طور کامل امکان‌پذیر نباشد، دولت‌ها باید در جهت پرداخت غرامت مالی به بزه‌دیدگان تلاش کنند»** (United Nations General Assembly, 1985, para. 12). بر این اساس، هرچند اعلامیه یادشده به‌طور خاص به جرائم ناشی از معاملات الکترونیکی اشاره نمی‌کند، اما با شناسایی حق بزه‌دیده بر جبران کامل خسارت، اعاده اموال، بازپرداخت هزینه‌ها و در موارد ضروری، پرداخت غرامت از سوی دولت، چارچوبی حقوقی برای حمایت از بزه‌دیدگان این دسته از جرائم نیز فراهم می‌آورد. از این‌رو، می‌توان اصول مقرر در این اعلامیه را از مهم‌ترین مبانی بین‌المللی حمایت از بزه‌دیدگان در جرائم مرتبط با تجارت و معاملات الکترونیکی دانست.

**۲-۲- وجود یک معامله الکترونیکی معتبر و جبران خسارت**

برای مطالبه خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی، متعهدله باید ابتدا وجود یک قرارداد معتبر را به اثبات برساند و سپس نشان دهد که متعهد از اجرای تعهدات خودداری کرده یا مفاد توافق را به‌درستی اجرا نکرده است. در مقابل، هرگاه اساسا قراردادی میان طرفین وجود نداشته باشد یا قرارداد صرفا جنبه ظاهری داشته و فاقد آثار حقوقی باشد، مسؤولیت ناشی از قرارداد جای خود را به مسؤولیت مدنی می‌دهد (السان، ۱۳۹۱: ۱۱۷). در چنین وضعیتی، شخصی که بر اثر عمد یا تقصیر موجب ورود زیان به دیگری شده باشد، مکلف به جبران خسارت خواهد بود. در مسؤولیت قراردادی نیز احراز تعهدی که منشأ آن توافق و اراده مشترک طرفین است، برای تحقق مسؤولیت کفایت می‌کند. در همین راستا مطابق قوانین داخلی مطابق ماده ۲۲۰ قانون مدنی، لازم نیست تمامی تعهدات به‌صورت صریح در قرارداد درج شده باشد، بلکه تعهداتی که به موجب عرف، قانون یا لوازم عقد بر طرفین بار می‌شود نیز جزء آثار قرارداد محسوب می‌شوند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۶۹). در معاملات الکترونیکی نیز همین مبانی حاکم است، با این تفاوت که تعهدات غالبا در قالب داده‌پیام، شرایط استفاده از سامانه‌های

الکترونیکی، قراردادهای برخط و موافقت‌نامه‌های دیجیتالی شکل می‌گیرند. از این‌رو، هرگونه نقض این تعهدات، از جمله عدم تحویل کالا یا خدمت، ارسال کالای مغایر با مشخصات اعلامی، نقض تعهدات مربوط به امنیت اطلاعات یا افشای داده‌های کاربران، می‌تواند مسؤولیت قراردادی یا حسب مورد مسؤولیت مدنی را برای متخلف ایجاد کرده و وی را ملزم به جبران کامل خسارات وارده سازد.

در بسیاری از نظام‌های حقوقی، مسؤولیت مدنی بر پایه احراز تقصیر استوار است؛ بدین معنا که زیان‌دیده باید ثابت کند خسارت در نتیجه رفتار متقصرانه عامل زیان به وجود آمده است. بر همین اساس، الزام شخص به جبران خسارت، اصولا منوط به اثبات تقصیر و رابطه سببیت میان رفتار زیان‌بار و خسارت وارده خواهد بود (Ramsay, 2007: 98). این مبنا در حوزه تجارت الکترونیکی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا با توسعه فناوری‌های نوین و گسترش قراردادهای الکترونیکی، تشخیص منشأ ورود خسارت همواره آسان نیست و ممکن است زیان ناشی از نقص سامانه، عملکرد نادرست پلتفرم، حملات سایبری یا قصور ارائه‌دهنده خدمات باشد. بنابراین، احراز تقصیر در این حوزه نیازمند بررسی هم‌زمان جنبه‌های حقوقی و فنی است. از سوی دیگر، تجارت الکترونیکی به دلیل ماهیت غیرحضوری خود، علاوه بر مزایای اقتصادی، زمینه بروز مخاطرات متعددی را نیز فراهم کرده است. تبلیغات گمراه‌کننده، ارائه اطلاعات ناقص یا خلاف واقع درباره کالا و خدمات، عدم آگاهی مصرف‌کننده از قیمت واقعی، ارسال کالای نامرغوب یا مغایر با اوصاف اعلامی، سوءاستفاده از اطلاعات شخصی، نقض امنیت سامانه‌های پرداخت و حتی ایجاد انحصار توسط برخی عرضه‌کنندگان، از جمله مهم‌ترین عوامل ورود خسارت در این فضا به شمار می‌روند. از این‌رو، قواعد مسؤولیت مدنی و سازوکارهای جبران خسارت در معاملات الکترونیکی باید به گونه‌ای اعمال شوند که ضمن جبران کامل زیان‌های مادی و معنوی، اعتماد عمومی به مبادلات الکترونیکی نیز حفظ شود و امنیت حقوقی طرفین قرارداد تضمین گردد.

در همین راستا یکی از مهم‌ترین اسناد الزام‌آور بین‌المللی و البته تخصصی در حوزه مقابله با جرائم سایبری، «کنوانسیون بوداپست درباره جرائم سایبری » مصوب سال ۲۰۰۱ شورای اروپا است. این کنوانسیون نخستین معاهده جامع بین‌المللی در زمینه جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه در فضای سایبری، همکاری‌های کیفری میان دولت‌ها و تسهیل جمع‌آوری و تبادل ادله الکترونیکی به شمار می‌رود. اگرچه کنوانسیون بوداپست به‌طور مستقیم مقرراتی درباره جبران خسارت بزه‌دیدگان پیش‌بینی نکرده است، اما با جرم‌انگاری رفتارهایی که منجر به ورود زیان مالی در بستر سامانه‌های رایانه‌ای و معاملات الکترونیکی می‌شوند، زمینه حقوقی لازم را برای تعقیب مرتکبان و در نتیجه استیفای حقوق و جبران خسارت بزه‌دیدگان فراهم می‌سازد. در این باره، ماده ۸ کنوانسیون که به جرم «کلاهبرداری مرتبط با رایانه» اختصاص دارد، مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو باید اقدامات قانونی لازم را اتخاذ کنند تا هرگونه ورود، تغییر، حذف یا مخفی کردن داده‌های رایانه‌ای و نیز هرگونه مداخله در عملکرد سامانه‌های رایانه‌ای که با قصد متقلبانه یا غیر صادقانه و به منظور تحصیل منفعت اقتصادی نامشروع برای خود یا دیگری، موجب ورود خسارت مالی به اشخاص شود، به‌عنوان جرم در حقوق داخلی شناسایی و قابل تعقیب باشد (Council of Europe, 2001, Art. 8). بر اساس مفاد این ماده، **«هر دولت عضو باید تدابیر قانونی لازم را اتخاذ کند تا رفتارهای زیر، درصورتی‌که با قصد متقلبانه یا غیر صادقانه و به منظور تحصیل منفعت اقتصادی نامشروع برای خود یا دیگری انجام شوند، جرم محسوب شوند: الف) وارد کردن، تغییر، حذف یا مخفی نمودن داده‌های رایانه‌ای که موجب ورود خسارت مالی به دیگری شود؛ ب) مداخله در عملکرد یک سامانه رایانه‌ای که منجر به ورود زیان مالی به دیگری گردد»** (Council of Europe, 2001, Art. 8). با توجه به این مقرره، هرچند کنوانسیون بوداپست سازوکار مستقلی برای جبران خسارت بزه‌دیدگان پیش‌بینی نکرده است، اما ازآنجاکه تحقق جبران خسارت مستلزم شناسایی جرم، تعقیب مرتکب، جمع‌آوری ادله الکترونیکی و همکاری قضایی میان دولت‌ها است، مقررات این کنوانسیون نقش بنیادینی در حمایت غیرمستقیم از بزه‌دیدگان

[1]- Convention on Cybercrime (Budapest Convention, ETS No. 185

جرائم ناشی از معاملات الکترونیکی ایفا می‌کند. در واقع، جرم‌انگاری کلاهبرداری رایانه‌ای و ایجاد سازوکارهای همکاری بین‌المللی، امکان شناسایی مرتکبان، استرداد عواید حاصل از جرم و در نهایت جبران خسارت بزه‌دیدگان را بیش‌ازپیش فراهم می‌سازد.

**۲-۳- ورود ضرر و جبران خسارت برای طرف معامله**

یکی از ارکان اساسی مسؤولیت مدنی، تحقق ضرر است؛ زیرا تا زمانی که ورود خسارت به شخصی احراز نشود، مسؤولیتی برای عامل زیان ایجاد نخواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۴۰). در حوزه معاملات الکترونیکی نیز همین اصل حاکم است و هرگاه در نتیجه عرضه کالا یا ارائه خدمات در بستر دیجیتال، به علت نقص فنی، ارائه اطلاعات نادرست، عیب کالا یا عدم رعایت الزامات قانونی، زیانی به خریدار یا مصرف‌کننده وارد شود، زیان‌دیده حق خواهد داشت جبران کامل خسارات خود را مطالبه کند. بنابراین، صرف وقوع تخلف در محیط الکترونیکی برای ایجاد مسؤولیت کافی نیست، بلکه باید رابطه سببیت میان رفتار زیان‌بار و خسارت وارده نیز احراز شود. در رویه قضایی نیز حمایت از مصرف‌کنندگان در فضای الکترونیکی همواره مورد توجه بوده است. برای نمونه، در یکی از آراء دادگاه بخش کالیفرنیا در ایالات‌متحده آمریکا که در سال ۱۹۸۶ صادر شد، حذف یا مخفی کردن اطلاعات مرتبط با مصرف‌کننده، با استناد به قانون منع فریب و سوءاستفاده از مصرف‌کننده، از مصادیق ورود ضرر تلقی گردید (Consumer Fraud and Abuse Act, 1986). دادگاه در این پرونده، محروم ساختن مصرف‌کننده از اطلاعات مؤثر در تصمیم‌گیری را نوعی زیان قابل جبران دانست و بر همین اساس، تحقق مسؤولیت مدنی خوانده و الزام وی به جبران خسارت را مورد پذیرش قرار داد (Elevation Point 2 Inc. v. Gukasyan, 2022: 3). این رویکرد نشان می‌دهد که در معاملات الکترونیکی، خسارت صرفا به زیان‌های مالی مستقیم محدود نمی‌شود، بلکه هرگونه نقص اطلاعاتی که موجب تصمیم‌گیری نادرست مصرف‌کننده و ورود خسارت به وی شود نیز می‌تواند مبنای مطالبه خسارت قرار گیرد.

از دیگر جلوه‌های ورود ضرر در معاملات الکترونیکی، حالتی است که عرضه‌کننده اطلاعات لازم درباره ویژگی‌ها، مخاطرات یا نحوه استفاده از کالا را در اختیار مصرف‌کننده قرار ندهد و این نقص اطلاعات، کالا را از حیث کارکرد یا ایمنی برای مصرف‌کننده خطرناک سازد. در چنین شرایطی، اگر زیان‌دیده بتواند اثبات کند که فقدان هشدارها یا اطلاعات ضروری در بروز خسارت نقش مؤثر داشته است، مسؤولیت عرضه‌کننده محقق خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۸۶). این موضوع به‌ویژه در فروش اینترنتی کالاهایی مانند تجهیزات پزشکی، لوازم الکترونیکی، مواد شیمیایی یا محصولات تخصصی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا مصرف‌کننده امکان بررسی حضوری کالا را ندارد و اعتماد وی عمدتا بر اطلاعاتی استوار است که در بستر الکترونیکی توسط فروشنده ارائه می‌شود.

در این زمینه، از منظر نقش اسناد بین‌المللی باید گفت که یکی از مهم‌ترین اسناد الزام‌آور بین‌المللی تخصصی در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان، «کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرائم سازمان‌یافته فراملی (کنوانسیون پالرمو) » مصوب سال ۲۰۰۰ است. هرچند این کنوانسیون به‌طور خاص ناظر بر جرائم ناشی از معاملات الکترونیکی نیست، اما با توجه به ماهیت فراملی بسیاری از کلاهبرداری‌های اینترنتی، جرائم مالی سایبری و شبکه‌های سازمان‌یافته فعال در بستر تجارت الکترونیکی، مقررات آن قابلیت انطباق با این دسته از جرائم را دارد. در واقع، بخش قابل‌توجهی از خسارات ناشی از معاملات الکترونیکی، به‌واسطه فعالیت گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته، از جمله کلاهبرداری‌های اینترنتی، فیشینگ، پول‌شویی الکترونیکی و انتقال غیرقانونی وجوه، ایجاد می‌شود؛ از این‌رو، حمایت از بزه‌دیدگان و پیش‌بینی سازوکارهای مؤثر برای جبران خسارت آنان، از اهداف اساسی این کنوانسیون به شمار می‌رود. بند ۲ ماده ۲۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد: **«هر دولت عضو باید رویه‌های مناسب را برای فراهم ساختن دسترسی بزه‌دیدگان جرائم مشمول این کنوانسیون به جبران خسارت و استرداد اموال پیش‌بینی کند»** (United Nations, 2000, Art. 25(2)). این حکم بیانگر آن است که جبران خسارت بزه‌دیده صرفا یک حق خصوصی ناشی از ارتکاب جرم نیست، بلکه دولت‌ها نیز موظف‌اند با ایجاد

[1]- United Nations Convention against Transnational Organized Crime.

سازوکارهای قانونی، قضایی و اجرایی، امکان دسترسی مؤثر زیان‌دیدگان به غرامت و بازگرداندن اموال ناشی از جرم را فراهم سازند.

همچنین، بند ۱ ماده ۲۵ دولت‌های عضو را مکلف می‌کند که در حدود امکانات خود، تدابیر مناسبی را برای حمایت و مساعدت از بزه‌دیدگان جرائم مشمول کنوانسیون، به‌ویژه در موارد تهدید، ارعاب یا اقدامات تلافی‌جویانه، اتخاذ کنند (United Nations, 2000, Art. 25(1)). حمایت از بزه‌دیدگان در این مرحله، مکمل فرآیند جبران خسارت است؛ زیرا تحقق جبران مؤثر، مستلزم آن است که بزه‌دیده بتواند بدون نگرانی از تهدید یا فشار، حقوق مالی خود را از طریق مراجع صالح مطالبه کند. بر این اساس، هرچند کنوانسیون پالرمو مقررات اختصاصی درباره جرائم ناشی از معاملات الکترونیکی ندارد، اما با الزام دولت‌ها به ایجاد سازوکارهای دسترسی بزه‌دیدگان به جبران خسارت و استرداد اموال، بستر حقوقی مناسبی برای حمایت از زیان‌دیدگان این دسته از جرائم فراهم می‌آورد. این رویکرد به‌ویژه در مواردی اهمیت می‌یابد که بزه‌دیدگان در نتیجه کلاهبرداری‌های اینترنتی، برداشت‌های غیرمجاز از حساب‌های بانکی، سوءاستفاده از ابزارهای پرداخت الکترونیکی یا سایر جرائم مالی سایبری، متحمل خسارات قابل‌توجهی شده‌اند. در چنین شرایطی، صرف شناسایی و مجازات مرتکب، پاسخگوی آثار زیان‌بار جرم نیست؛ بلکه تحقق عدالت کیفری زمانی کامل خواهد بود که خسارات مادی واردشده تا حد امکان جبران، اموال ناشی از جرم به صاحبان آن مسترد و امکان اعاده وضعیت بزه‌دیده به حالت پیش از وقوع جرم فراهم شود. از این منظر، ماده ۲۵ کنوانسیون پالرمو را می‌توان یکی از مهم‌ترین مبانی حقوق کیفری بین‌المللی در حمایت از حق بزه‌دیدگان برای مطالبه خسارت و استرداد اموال دانست.

### ۲-۴- جبران خسارت متوجه متولی سامانه معاملات و طراح و بهره بر آن

در سال‌های اخیر، هم‌زمان با گسترش استفاده از سامانه‌های هوشمند، هوش مصنوعی و بسترهای الکترونیکی در انعقاد و اجرای قراردادها، این پرسش مطرح شده است که آیا این سامانه‌ها باید از شخصیت حقوقی مستقل برخوردار شوند یا صرفا ابزاری در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی محسوب می‌شوند. طرفداران اعطای شخصیت حقوقی به سامانه‌های هوشمند معتقدند که با توجه به نقش روزافزون این فناوری‌ها در فرآیندهای تجاری، قانون‌گذار باید حمایت‌های قانونی متناسبی را برای آن‌ها پیش‌بینی کند. با این حال، منتقدان این دیدگاه بر این باورند که اعطای شخصیت حقوقی به سامانه‌های الکترونیکی مستلزم پذیرش تمامی آثار و لوازم شخصیت حقوقی است؛ بدین معنا که چنین سامانه‌هایی باید همانند اشخاص حقیقی یا حقوقی دارای حقوق، تکالیف و مسؤولیت‌های مستقل شناخته شوند (السان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۸). در این صورت، منافع و زیان‌های ناشی از قراردادهایی که توسط سامانه‌های هوشمند منعقد می‌شوند، باید مستقیما به خود سامانه منتسب شود، نه به اشخاصی که آن را طراحی، مالکیت یا بهره‌برداری می‌کنند.

از منظر جبران خسارت در معاملات الکترونیکی، پذیرش چنین دیدگاهی با چالش‌های حقوقی فراوانی مواجه است. اعطای شخصیت حقوقی به سامانه‌های هوشمند بدین معنا خواهد بود که این سامانه‌ها در قبال اقدامات و تصمیمات خود نیز مسؤول شناخته شوند و در صورت ورود خسارت به کاربران، مصرف‌کنندگان یا اشخاص ثالث، مسؤولیت جبران زیان بر عهده آن‌ها قرار گیرد (Karnow, 1994: 13). درحالی‌که تحقق چنین مسؤولیتی مستلزم وجود عناصر اساسی شخصیت حقوقی، از جمله دارایی مستقل، اهلیت مالی، امکان اجرای احکام و قابلیت پاسخگویی در برابر مراجع قضایی است؛ اموری که در وضعیت کنونی درباره سامانه‌های هوشمند و نرم‌افزارهای معاملاتی تحقق نیافته است.

از سوی دیگر، در بسیاری از معاملات الکترونیکی، خسارت ناشی از عملکرد سامانه هوشمند در واقع نتیجه تصمیمات یا قصور اشخاصی است که سامانه را طراحی، برنامه‌نویسی، مدیریت یا مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند. هرچند که این جرائم در فضای سایبر و به شیوه کلاهبرداری یا جاسوسی رایانه‌ای پدید آمده باشند (اسدی‌خلیق و حسن‌پور، ۱۴۰۴: ۵). بنابراین، انتساب مستقیم مسؤولیت به سامانه، ممکن است موجب

تضعیف حمایت از زیان‌دیده شود؛ زیرا در عمل امکان مطالبه خسارت از یک سامانه فاقد دارایی و شخصیت مستقل وجود نخواهد داشت. به همین دلیل، رویکرد غالب در نظام‌های حقوقی آن است که مسؤولیت جبران خسارت همچنان متوجه اشخاص حقیقی یا حقوقی مرتبط با سامانه، از جمله تولیدکننده نرم‌افزار، ارائه‌دهنده خدمات، مالک پلتفرم یا بهره‌بردار آن باشد. این رویکرد، علاوه بر تضمین حمایت مؤثر از زیان‌دیدگان، با اصول سنتی مسؤولیت مدنی نیز سازگارتر است و امکان جبران کامل خسارات ناشی از معاملات الکترونیکی را فراهم می‌آورد. از این‌رو تا زمانی که زیرساخت‌های حقوقی لازم برای شناسایی شخصیت مستقل سامانه‌های هوشمند ایجاد نشده است، مسؤولیت جبران خسارت باید بر مبنای انتساب رفتار زیان‌بار به اشخاصی استوار باشد که کنترل، مدیریت یا منفعت اقتصادی حاصل از فعالیت سامانه را در اختیار دارند؛ زیرا چنین راهکاری بیش از هر چیز با هدف اصلی نظام مسؤولیت مدنی، یعنی حمایت مؤثر از زیان‌دیده و تضمین جبران کامل خسارت، همخوانی دارد.

### ۲-۵- انتساب خسارت و ضرر به طراح معاملات در عرصه معاملات الکترونیکی

یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حوزه تجارت الکترونیکی، «کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی » مصوب سال ۲۰۰۵ است که توسط کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد تدوین شده است. این کنوانسیون با هدف ایجاد اطمینان[2] حقوقی در استفاده از ابزارهای الکترونیکی در روابط تجاری بین‌المللی، اعتبار حقوقی قراردادهای منعقدشده از طریق سامانه‌های خودکار را به رسمیت شناخته و آثار حقوقی اقدامات این سامانه‌ها را مورد شناسایی قرار داده است. هرچند این کنوانسیون به‌طور مستقیم درباره مسؤولیت مدنی یا جبران خسارت مقرره‌ای وضع نکرده است، اما ازآنجاکه اعتبار اقدامات سامانه‌های خودکار را به رسمیت می‌شناسد، مبنای مهمی برای انتساب آثار حقوقی این اقدامات به اشخاصی است که سامانه را ایجاد، مدیریت یا مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند.

ماده ۱۲ کنوانسیون مقرر می‌دارد که انعقاد قرارداد از طریق تعامل میان یک سامانه پیام‌رسان خودکار و شخص، یا میان دو سامانه پیام‌رسان خودکار، صرفا به دلیل فقدان مداخله یا نظارت مستقیم انسان در مراحل انعقاد قرارداد، فاقد اعتبار یا اثر حقوقی نخواهد بود (United Nations, 2005, Art. 12). مفاد این ماده بیانگر آن است که نظام حقوقی بین‌المللی، آثار حقوقی عملکرد سامانه‌های خودکار را می‌پذیرد، اما شخصیت حقوقی مستقلی برای این سامانه‌ها شناسایی نمی‌کند؛ زیرا آثار قرارداد همچنان به اشخاصی منتسب می‌شود که سامانه را طراحی، راه‌اندازی، کنترل یا در فرآیند معاملات مورد استفاده قرار داده‌اند. بر این اساس، هرگاه در نتیجه عملکرد یک سامانه هوشمند یا بستر الکترونیکی، خسارتی به کاربران یا طرف‌های قرارداد وارد شود، صرف استناد به خودکار بودن تصمیمات سامانه، مانع از انتساب آثار حقوقی آن به متولی سامانه نخواهد بود. همچنان که جرم انگاری اعمال شروع به جرم، مشارکت و به رسمیت شناختن مسؤولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در کنوانسیون جرائم سایبری تدبیر دیگری برای رسیدگی به خسارات مرتبط با جرائم الکترونیکی است (پورقهرمانی، ۱۳۹۶: ۱۱). از این‌رو، در فقدان شخصیت حقوقی مستقل برای سامانه‌های هوشمند،[1] مسؤولیت جبران خسارت اصولا متوجه اشخاص حقیقی یا حقوقی است که کنترل مؤثر بر عملکرد سامانه داشته یا از فعالیت اقتصادی آن منتفع می‌شوند. چنین برداشتی، ضمن تأمین امنیت حقوقی در معاملات الکترونیکی، از تضعیف حقوق بزه‌دیدگان جلوگیری کرده و امکان مطالبه خسارت از اشخاص دارای اهلیت، دارایی و قابلیت پاسخگویی را فراهم می‌آورد.

علاوه بر این یکی از جدیدترین اسناد بین‌المللی در حوزه تنظیم حقوقی سامانه‌های هوش مصنوعی، «کنوانسیون چارچوب شورای اروپا درباره هوش مصنوعی، حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون » مصوب سال ۲۰۲۴ است. این کنوانسیون[3]

[1]- United Nations Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts.
[2]- UNCITRAL
[3]- *Council of Europe Framework Convention on Artificial Intelligence and Human Rights*.

نخستین معاهده الزام‌آور بین‌المللی در زمینه حکمرانی حقوقی هوش مصنوعی به شمار می‌رود و با اتخاذ رویکردی مبتنی بر حمایت از حقوق بشر، دولت‌ها را مکلف می‌سازد تا سازوکارهای لازم برای پاسخگویی، شفافیت و حمایت از اشخاصی را که در نتیجه به‌کارگیری سامانه‌های هوش مصنوعی متحمل زیان می‌شوند، در نظام حقوقی خود پیش‌بینی کنند؛ یعنی اینکه برای نقض حقوق بشر ناشی از سیستم‌های هوش مصنوعی راه‌حل‌هایی باید ایجاد شود (شکرالهی و معتمدنژاد، ۱۴۰۳: ۷۷). اگرچه این کنوانسیون به‌طور خاص درباره معاملات الکترونیکی یا مسؤولیت مدنی متولیان سامانه‌های هوشمند تدوین نشده است، اما مقررات آن در زمینه تضمین دسترسی اشخاص زیان‌دیده به راهکارهای مؤثر جبران و احقاق حق، از ظرفیت بالایی برای انطباق با خسارات ناشی از عملکرد سامانه‌های هوشمند در بستر معاملات الکترونیکی برخوردار است. با توجه به اینکه امروزه بخش قابل‌توجهی از فرآیندهای تجاری و قراردادی با استفاده از سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی انجام می‌شود، پیش‌بینی سازوکارهای مؤثر برای حمایت از اشخاصی که در نتیجه تصمیمات یا عملکرد این سامانه‌ها متحمل خسارت می‌شوند، یکی از الزامات تحقق امنیت حقوقی و اعتماد عمومی در فضای تجارت الکترونیکی محسوب می‌شود.

در همین راستا، بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «**هر یک از طرف‌ها باید، در چارچوب تعهدات بین‌المللی و با رعایت قوانین داخلی، اقدامات لازم را برای تضمین دسترسی مؤثر و مناسب به راه‌های جبران نقض‌های حقوق بشری ناشی از فعالیت‌های مرتبط با چرخه حیات سامانه‌های هوش مصنوعی اتخاذ یا حفظ کنند**» (Council of Europe, 2024, Art. 14(1)). مفاد این بند بیانگر آن است که دولت‌ها صرفا مکلف به شناسایی حقوق اشخاص زیان‌دیده نیستند، بلکه باید بسترهای حقوقی و اجرایی لازم را نیز برای دسترسی مؤثر آنان به شیوه‌های جبران خسارت فراهم آورند. تا اینکه در نهایت بتوانند امنیت داده، حاکمیت و امنیت سایبری را محقق سازند (Marcu, 2024: 2). این رویکرد، بیانگر آن است که حمایت از زیان‌دیدگان، یکی از ارکان اساسی حکمرانی مسؤولانه در حوزه هوش مصنوعی بوده و تحقق آن مستلزم ایجاد سازوکارهای عملی برای مطالبه خسارت و احقاق حق است.

همچنین، بند ۲ ماده ۱۴ دولت‌های عضو را موظف می‌کند اقدامات لازم را برای مستندسازی اطلاعات مرتبط با سامانه‌های هوش مصنوعی، ارائه این اطلاعات به نهادهای ذی‌ربط و در موارد مقتضی، در دسترس قرار دادن آن برای اشخاص تحت تأثیر اتخاذ کنند. افزون بر این، اطلاعات مزبور باید به اندازه‌ای کافی باشد که اشخاص متأثر بتوانند نسبت به تصمیمات اتخاذشده یا تصمیماتی که به‌طور قابل توجه بر پایه سامانه‌های هوش مصنوعی اتخاذ شده‌اند، اعتراض کرده و از راهکارهای قانونی پیش‌بینی‌شده بهره‌مند شوند (Council of Europe, 2024, Art. 14(2)). این مقرره از حیث اثبات ورود ضرر و شناسایی منشأ خسارت، اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا در بسیاری از دعاوی ناشی از معاملات الکترونیکی، اثبات رابطه سببیت میان عملکرد سامانه هوشمند و زیان وارده، بدون دسترسی به اطلاعات مربوط به نحوه عملکرد سامانه، الگوریتم‌های مورد استفاده یا تصمیمات اتخاذشده امکان‌پذیر نخواهد بود. از این‌رو، الزام به مستندسازی و دسترس‌پذیر بودن اطلاعات، زمینه لازم را برای شناسایی مسؤولیت اشخاصی که سامانه را طراحی، مدیریت یا مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند، فراهم ساخته و امکان مطالبه و جبران خسارت زیان‌دیدگان را تقویت می‌کند.

بر این اساس، هرچند کنوانسیون چارچوب شورای اروپا برای سامانه‌های هوش مصنوعی شخصیت حقوقی مستقلی شناسایی نکرده و به‌طور مستقیم درباره مسؤولیت مدنی متولیان این سامانه‌ها مقرره‌ای وضع نکرده است، اما با تأکید بر ضرورت پاسخگویی، شفافیت، مستندسازی اطلاعات و تضمین دسترسی مؤثر به راه‌های جبران، چارچوبی حقوقی برای حمایت از اشخاص زیان‌دیده ارائه می‌دهد (شکرالهی و معتمدنژاد، ۱۴۰۳: ۷۲). این رویکرد می‌تواند در حوزه معاملات الکترونیکی نیز مبنای مناسبی برای انتساب مسؤولیت به اشخاصی باشد که کنترل، مدیریت یا بهره‌برداری از سامانه‌های هوشمند را بر عهده دارند و از منافع اقتصادی حاصل از فعالیت آن‌ها بهره‌مند می‌شوند. در نتیجه، مفاد این کنوانسیون را می‌توان گامی مهم

در جهت تقویت حمایت از بزه‌دیدگان و تضمین جبران مؤثر خسارات ناشی از فناوری‌های نوین، به‌ویژه سامانه‌های هوشمند مورد استفاده در معاملات الکترونیکی، ارزیابی کرد. در نهایت اینکه مفاد این ماده نشان می‌دهد که حمایت از اشخاص زیان‌دیده، صرفا به پیش‌بینی قواعد ماهوی مسؤولیت محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم ایجاد سازوکارهای مؤثر برای دسترسی به اطلاعات، امکان اعتراض به تصمیمات اتخاذشده بر پایه سامانه‌های هوش مصنوعی و بهره‌مندی از شیوه‌های مناسب احقاق حق است. این رویکرد در حوزه معاملات الکترونیکی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در بسیاری از موارد، ورود خسارت ناشی از عملکرد سامانه‌های هوشمند تنها زمانی قابل جبران خواهد بود که اشخاص زیان‌دیده بتوانند اطلاعات مربوط به عملکرد سامانه را در اختیار داشته، مسؤولیت اشخاص کنترل‌کننده یا بهره‌بردار آن را اثبات کنند و از راهکارهای مؤثر قانونی برای مطالبه خسارت بهره‌مند شوند. از این‌رو، هرچند کنوانسیون مزبور شخصیت حقوقی مستقلی برای سامانه‌های هوش مصنوعی شناسایی نمی‌کند، اما با تأکید بر اصل پاسخگویی و تضمین دسترسی به راهکارهای مؤثر جبران، زمینه حقوقی مناسبی برای انتساب مسؤولیت به طراح، مالک، متولی یا بهره‌بردار سامانه‌های هوشمند فراهم می‌آورد.

## نتیجه‌گیری

جبران خسارت در معاملات الکترونیکی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های حمایت حقوقی از طرفین قرارداد و به‌ویژه بزه‌دیدگان جرائم سایبری، نقشی اساسی در تضمین امنیت حقوقی، اعتماد عمومی و توسعه پایدار تجارت الکترونیکی ایفا می‌کند. قواعد سنتی مسؤولیت مدنی، هرچند همچنان مبنای اصلی جبران خسارت را تشکیل می‌دهند، اما به تنهایی پاسخگوی پیچیدگی‌های ناشی از معاملات الکترونیکی نبوده و نیازمند تفسیر پویا و تکمیل از طریق مقررات اختصاصی و استانداردهای بین‌المللی هستند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نخستین شرط تحقق جبران خسارت، وجود یک رابطه حقوقی معتبر یا در صورت فقدان آن، احراز ارکان مسؤولیت مدنی است. در معاملات الکترونیکی نیز همانند قراردادهای سنتی، اعتبار قرارداد، نقض تعهد، ورود ضرر و وجود رابطه سببیت، ارکان اصلی مسؤولیت را تشکیل می‌دهند؛ با این تفاوت که شکل‌گیری تعهدات در قالب داده‌پیام، قراردادهای برخط و سامانه‌های هوشمند، اثبات تخلف و منشأ خسارت را با پیچیدگی‌های فنی و حقوقی بیشتری مواجه ساخته است. از سوی دیگر، بررسی مبانی مسؤولیت نشان داد که جبران خسارت صرفا ناظر بر زیان‌های مالی مستقیم نیست، بلکه خسارات ناشی از ارائه اطلاعات نادرست، تبلیغات گمراه‌کننده، نقض امنیت داده‌ها، افشای اطلاعات شخصی، نقض تعهدات قراردادی و حتی محروم شدن مصرف‌کننده از اطلاعات مؤثر در تصمیم‌گیری نیز می‌تواند مبنای مطالبه خسارت قرار گیرد. این تحول بیانگر آن است که مفهوم ضرر در تجارت الکترونیکی نسبت به برداشت‌های سنتی توسعه یافته و ابعاد اقتصادی، اطلاعاتی و فناورانه را نیز در برمی‌گیرد.

مطالعه اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز نشان داد که اگرچه بسیاری از این اسناد به‌طور مستقیم سازوکار اختصاصی جبران خسارت در معاملات الکترونیکی را پیش‌بینی نکرده‌اند، اما از طریق الزام دولت‌ها به حمایت از بزه‌دیدگان، جرم‌انگاری رفتارهای زیان‌بار، تسهیل همکاری‌های قضایی و تضمین دسترسی مؤثر اشخاص زیان‌دیده به راهکارهای جبرانی، چارچوبی نسبتا منسجم برای حمایت از حقوق زیان‌دیدگان ایجاد کرده‌اند. اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت (۱۹۸۵) با تأکید بر حق جبران کامل خسارت، استرداد اموال و در موارد مقتضی پرداخت غرامت از سوی دولت، یکی از مهم‌ترین مبانی حمایت از زیان‌دیدگان محسوب می‌شود. همچنین، کنوانسیون بوداپست از طریق جرم‌انگاری کلاهبرداری رایانه‌ای و ایجاد سازوکارهای همکاری بین‌المللی، امکان شناسایی مرتکبان، جمع‌آوری ادله الکترونیکی و استرداد عواید ناشی از جرم را تسهیل کرده و بدین ترتیب، نقش غیرمستقیم اما مؤثری در تحقق جبران خسارت ایفا می‌کند. افزون بر آن، کنوانسیون پالرمو با تأکید بر دسترسی بزه‌دیدگان به استرداد اموال و جبران خسارت، نشان می‌دهد که تحقق عدالت کیفری بدون اعاده حقوق مالی زیان‌دیدگان کامل نخواهد بود.

از دیگر یافته‌های مهم پژوهش، تحول مبانی انتساب مسؤولیت در بستر فناوری‌های نوین است. گسترش سامانه‌های هوشمند

و بهره‌گیری از هوش مصنوعی در انعقاد و اجرای قراردادها، این پرسش را مطرح ساخته که مسؤولیت ناشی از عملکرد این سامانه‌ها بر عهده چه شخصی قرار می‌گیرد. بررسی اسناد بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی (۲۰۰۵) و کنوانسیون چارچوب شورای اروپا درباره هوش مصنوعی (۲۰۲۴)، نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل هنوز شخصیت حقوقی مستقلی برای سامانه‌های هوشمند به رسمیت نشناخته است. در نتیجه، آثار حقوقی اقدامات این سامانه‌ها همچنان به اشخاصی منتسب می‌شود که آن‌ها را طراحی، مدیریت، کنترل یا مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند. این رویکرد، علاوه بر حفظ انسجام نظام مسؤولیت مدنی، از تضعیف حقوق زیان‌دیدگان جلوگیری کرده و امکان مطالبه خسارت از اشخاص دارای اهلیت، دارایی و قابلیت پاسخگویی را فراهم می‌آورد. در همین راستا، تأکید کنوانسیون ۲۰۲۴ بر اصول پاسخگویی، شفافیت، مستندسازی اطلاعات و تضمین دسترسی مؤثر اشخاص به راهکارهای جبران، بیانگر آن است که در نظام حقوقی آینده، حمایت از زیان‌دیدگان بیش از آنکه بر اعطای شخصیت حقوقی به سامانه‌های هوشمند استوار باشد، بر مسؤولیت اشخاص کنترل‌کننده، بهره‌بردار و منتفع از این سامانه‌ها مبتنی خواهد بود. در نهایت اینکه تحقق جبران مؤثر خسارت در معاملات الکترونیکی مستلزم تعامل میان قواعد سنتی مسؤولیت مدنی، مقررات ویژه تجارت الکترونیکی و استانداردهای نوین بین‌المللی است. توسعه فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی ایجاب می‌کند که نظام‌های حقوقی، ضمن حفظ مبانی کلاسیک مسؤولیت، قواعد اختصاصی برای اثبات خسارت، انتساب مسؤولیت، شفافیت عملکرد سامانه‌های هوشمند، حمایت از بزه‌دیدگان و استرداد منافع نامشروع تدوین کنند. همچنین، اصلاح قوانین داخلی با بهره‌گیری از ظرفیت اسناد بین‌المللی، پیش‌بینی سازوکارهای تخصصی رسیدگی به دعاوی الکترونیکی، تسهیل دسترسی زیان‌دیدگان به ادله دیجیتال، توسعه مسؤولیت پلتفرم‌ها و متولیان سامانه‌های هوشمند و تقویت همکاری‌های فرامرزی در شناسایی مرتکبان و اجرای احکام، از مهم‌ترین الزامات تحقق عدالت جبرانی در فضای تجارت الکترونیکی به شمار می‌رود. تنها با اتخاذ چنین رویکردی می‌توان ضمن تضمین حقوق اشخاص زیان‌دیده، اعتماد عمومی به معاملات الکترونیکی را افزایش داد و بستر حقوقی لازم برای توسعه امن و پایدار اقتصاد دیجیتال را فراهم ساخت.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش از جمله امانت‌داری و ارجاع به منابع رعایت شده است.

**تعارض منافع:** در مقاله حاضر تضاد منافعی وجود ندارد.

**سهم نویسندگان:** نگارش مقاله توسط نویسنده مسؤول صورت گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از افرادی که با ارائه انتقادات باعث غنای مقاله شده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

**تأمین اعتبار پژوهش:** مقاله حاضر بدون اعتبار مالی انجام شده است.

## منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

– اسدی‌خلیق، فرزانه و حسن‌پور، نازنین (۱۴۰۴). «همکاری‌های بین‌المللی در مقابله با جرائم سایبری با تأکید بر کنوانسیون بوداپست». *فصلنامه فقه و حقوق نوین*، ۶(۵): ۱۸-۱.

– السان، مصطفی (۱۳۹۱). *حقوق تجارت الکترونیکی*. تهران: انتشارات سمت.

– السان، مصطفی؛ خلیلی، ریحانه و حسن‌رئیسی، مصطفی (۱۴۰۰). «تحلیل ماهیت و آثار قراردادهای منعقده توسط سامانه‌های پیام خودکار». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۱۰۰(۲۵): ۱۵۳-۱۲۹.

– پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی سازوکارهای حمایت از بزه دیدگان جرائم رایانه‌ای در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی با تأکید بر کنوانسیون بوداپست». *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۶(۱): ۸-۳۷.

– حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۳). «نقد سیاست کیفری تقنینی در قبال جرائم علیه حقوق مصرف‌کننده در تجارت الکترونیکی». *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۲۱(۷۹): ۹۵–۱۲۳.

– خواجه‌زاده، امیر (۱۴۰۵). «ابعاد فقهی حقوقی معاملات الکترونیکی و دیجیتالی در حقوق ایران». *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۴): ۱–۱۸.

– سرومیلی، شکوفه و پنداشته‌پور، محمدرضا (۱۴۰۴). *اجرت‌المثل و استرداد سود ضابطه جبران خسارت در دعاوی ناشی از نقض اسرار تجاری*. چهارمین کنفرانس بین‌المللی دانش فناوری حقوق و علوم انسانی ایران، ۱۵–۱.

– شکرالهی، شیوا و معتمدنژاد، رؤیا (۱۴۰۳). «کنوانسیون هوش مصنوعی شورای اروپا: از ویژگی‌ها و اهداف تا تأثیرگذاری در عرصه جهانی». *دو فصلنامه مطالعات فقه و حقوق رسانه*، ۶(۲): ۶۵–۹۵.

– شهیدی، مهدی (۱۳۹۰). *تشکیل قراردادها و تعهدات*. تهران: مزد.

– صفایی، سید حسن (۱۳۹۳). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: میزان.

– عیسائی‌تفرشی، محمد (۱۳۹۱). *مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

– کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). «حمایت از زیان‌دیده و مسؤولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۶۸(۱).

– کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). *مسؤولیت مدنی؛ الزام‌های خارج از قرارداد*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

– مقامی‌نیا، محمد (۱۳۹۱). «نحوهٔ انعقاد قراردادهای الکترونیکی و ویژگی‌های آن». *دانش حقوق مدنی*، ۱(۱): ۹۸– ۸۵

**ب. منابع انگلیسی**

- Consumer Fraud and Abuse Act of 1986, 18 U.S.C. § 1030 (1986).

- Council of Europe (2001). *Convention on Cybercrime (Budapest Convention, ETS No. 185)*. Budapest: Council of Europe.

- Council of Europe (2024). *Council of Europe Framework Convention on Artificial Intelligence and Human Rights, Democracy and the Rule of Law (CETS No. 225)*. Strasbourg: Council of Europe

- Elevation Point 2 Inc. v. Gukasyan, No. 21-cv-00281-WQH-AHG (S.D. Cal. Feb. 3, 2022).

- Karnow. C. E. A (1994). "The Encrypted Self: Fleshing Out the Rights of Rlectronic Personalities", *The John Marshall Journal of Computer and Information Law*, 13(1): 1-16.

- Marcu, B.-I (2024, June 20). The World's First Binding Treaty on Artificial Intelligence, Human Rights, Democracy, and the Rule of Law: Regulating Artificial Intelligence in Broad Strokes. *Future of Privacy Forum*.

- Ramsay, I (2007), *Consumer Protection and Policy: Text and Materials on Regulating Consumer Markets* (2nd ed.), Oxford: Hart Publishing.

- United Nations General Assembly (1985). *Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power* (A/RES/40/34, 29 November 1985). Geneva: United Nations.

- United Nations (2000). *United Nations Convention* against Transnational Organized Crime. General Assembly Resolution 22/25, 15 November 2000, Article 25(2).

- United Nations. (2005). *United Nations Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts*. New York: United Nations.